

سوالات تستی

جواب سوالات تستی

1. B
2. D
3. C
4. D
5. C

سوال ۱

تفاوت اساسی بین نرم‌افزار و سخت‌افزار با توجه به زمان چیست؟

جواب سوال ۱

تغییرپذیری

نرم‌افزارها به راحتی قابل تغییر و به‌روزرسانی هستند، در حالی که سخت‌افزارها برای تغییر نیاز به تعویض فیزیکی یا ارتقا دارند. با گذشت زمان، این انعطاف‌پذیری نرم‌افزار امکان پاسخ‌گویی به نیازهای جدید را فراهم می‌کند.

عمر مفید

سخت‌افزارها دارای یک عمر مفید فیزیکی هستند و با گذشت زمان فرسوده می‌شوند. در مقابل، نرم‌افزار فرسودگی فیزیکی ندارد اما ممکن است به دلیل تغییرات فناوری یا نیازهای کاربری، منسوخ شود.

هزینه‌های به‌روزرسانی و نگهداری

در طول زمان، هزینه‌های نگهداری و به‌روزرسانی نرم‌افزار می‌تواند بسیار بیشتر از هزینه‌های اولیه توسعه آن باشد. در حالی که هزینه‌های سخت‌افزار بیشتر به خرید و نصب اولیه محدود می‌شود.

وابستگی به فناوری

نرم افزارها معمولاً به سرعت تحت تأثیر تغییرات فناوری قرار می گیرند. اما سخت افزار ممکن است برای مدت زمان طولانی تری قابل استفاده باقی بماند، حتی اگر فناوری پیشرفت کند.

مقیاس پذیری

نرم افزارها معمولاً به راحتی قابل مقیاس پذیری هستند، به این معنی که می توان آن ها را برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر تنظیم کرد. سخت افزار اغلب نیاز به ارتقا یا تعویض دارد تا بتواند با نیازهای مقیاس بزرگ تر سازگار شود.

سوال ۲

توضیح دهید Prototyping در چه مواقعی می تواند در پیش برد پروژه موثر باشد؟

جواب سوال ۲

شفاف سازی نیازمندی ها

Prototyping به شناسایی و تصحیح نیازمندی های کاربران و مشتریان کمک می کند، به ویژه زمانی که این نیازمندی ها به طور کامل شناخته نشده باشند.

بازخورد سریع

پروتوتایپ ها امکان دریافت بازخورد سریع از کاربران و ذینفعان را فراهم می کنند، که این امر به بهبود و تکامل سریع تر محصول کمک می کند.

کاهش ریسک

ایجاد نمونه های اولیه به تیم توسعه کمک می کند تا ریسک های مربوط به فناوری یا طراحی را در مراحل اولیه پروژه شناسایی و رفع کنند.

ارتباط بهتر با ذینفعان

پروتوتایپ ها به تیم توسعه این امکان را می دهند تا ایده ها و پیشنهادات خود را به شکل عینی به ذینفعان نشان دهند، که این امر می تواند به ارتباط و درک متقابل بهتر کمک کند.

انعطاف پذیری در توسعه

استفاده از پروتوتایپ‌ها به تیم توسعه اجازه می‌دهد تا انعطاف‌پذیری بیشتری در تغییر جهت یا اصلاح طرح‌ها در طول فرآیند توسعه داشته باشند.

سوال ۳

چرا ممکن است یک سیستم با عمر طولانی به اسناد طراحی بیشتری نیاز داشته باشد؟

جواب سوال ۳

پشتیبانی و نگهداری

اسناد طراحی کامل و به‌روز به تیم‌های مختلف کمک می‌کنند تا درک بهتری از سیستم داشته باشند، به ویژه در زمان انتقال مسئولیت نگهداری. به خصوص زمان انتقال یک سیستم و ملحق‌اتش، اسناد طراحی باعث می‌شوند این انتقال مسئولیت، با درک خوبی همراه شود و جزئیات زیادی که ممکن است در نگاه‌های اول دیده نشوند، ثبت شده باشند و توسط تیم جدید، تشخیص داده شوند.

تغییرات و به‌روزرسانی‌ها

اسناد طراحی دقیق می‌توانند به ثبت تغییرات و اطمینان از انسجام کلی سیستم در طول زمان کمک کنند. در کنار کیفیت بالای داکيومنتیشن یا همون مستندات، کیفیت بالای به‌روزرسانی‌ها و تغییرات نیز می‌تواند رخ دهد با توجه به اسناد طراحی دقیق.

کاهش خطای انسانی

اسناد طراحی کامل به کاهش خطر از دست دادن دانش و تجربه مرتبط با سیستم و حفظ دانش حیاتی کمک می‌کنند. این مورد نیز مشابه مورد اول در زمان انتقال سیستم تاثیرگذار است.

سازگاری با محیط‌های جدید

اسناد طراحی به شناسایی بخش‌هایی از سیستم که نیاز به تغییر یا به‌روزرسانی دارند، کمک می‌کنند، به خصوص در زمان انطباق با فناوری‌های جدید.

سوال ۴

A.

چرا باید برای ایجاد یک نرم افزار براساس یک مدل پیش برویم و در طول پروژه پایبند به آن مدل باشیم؟

B.

یک تیم مهندس نرم افزار برای پروژه ای در یک شرکت نفت بزرگ دعوت شده است. این شرکت چندین دپارتمان دارد و تیم مهندسی نرم افزار با دپارتمان مدیریت اطلاعات (MIS) تعامل می کند. سیستم MIS این شرکت قدیمی (Legacy) است و هدف، انتقال داده ها به یک سیستم جدید (مهاجرت داده) است. فرآیندها، قراردادهای قانونی و معیارهای پذیرش این شرکت بسیار خاص و حساس هستند. به نظر شما چه مدل ایجاد نرم افزاری برای راه اندازی این سیستم انتقال داده را تیم مهندس نرم افزار انتخاب خواهد کرد؟ نام مدل و علت اصلی انتخاب آن کافی است.

C.

مهم ترین مشکلات مدل های سنتی (مثل مدل آبشاری) نسبت به مدل های چابک، چیست؟ (اشاره به ۳ مورد و توضیح کامل آنها کفایت می کند.)

جواب سوال ۴

A. اهمیت استفاده از یک مدل در ایجاد نرم افزار

- ساختار و راهنمایی: مدل ها چارچوب و راهنمایی لازم را برای توسعه نرم افزار فراهم می کنند، کمک به تمرکز تیم بر اهداف و مراحل مشخص. در واقع نظم تیم با استفاده از یک مدل، خیلی دقیق برنامه ریزی می شود.
- مدیریت پیچیدگی: استفاده از یک مدل پیچیدگی ها را مدیریت می کند و اطمینان می دهد که تمام جنبه های پروژه پوشش داده شوند. بعضا برای ایجاد نظم در تیم ها، از روش های مختلفی استفاده می شود ولی در پیچیدگی ها، مدیریت سخت می شود و بعضی بخش ها پوشش داده نمی شوند. برای همین بهتر از یک مدل برای مدیریت بخش های پیچیده ی یک پروژه استفاده شود.
- کنترل کیفیت: پایبندی به مدل امکان بررسی و ارزیابی مرحله به مرحله پروژه را می دهد، که برای حفظ کیفیت نرم افزار ضروری است. همانند مورد قبل، کیفیت در بعضی بخش های پروژه ممکن است حفظ نشود در مدیریت عادی ولی با استفاده از مدل ها، این موضوع نیز پوشش داده می شود.
- پیش بینی و برنامه ریزی: مدل ها به تیم توسعه امکان پیش بینی و برنامه ریزی مناسب پیشرفت پروژه را می دهند.
- همکاری و ارتباطات: مدل ها زبان مشترکی برای ارتباط بین اعضای تیم و ذینفعان فراهم می کنند.
- مستندسازی و توسعه مجدد: مدل ها به مستندسازی فرایندها و تصمیمات کمک کرده و برای تحلیل و توسعه مجدد نرم افزار در آینده مهم هستند.

B. مدل ایجاد نرم افزار برای شرکت نفتی

مدل انتخابی: مدل V

دلیل انتخاب:

الف) تاکید بر آزمون و اعتبارسنجی: مدل V به خصوص برای پروژه‌هایی که نیاز به تایید دقیق و مستمر دارند، مناسب است. این مهم است زیرا در پروژه‌های مربوط به داده‌های حساس مانند مهاجرت داده‌ها در یک شرکت نفتی، اطمینان از دقت و امنیت داده‌ها در هر مرحله حیاتی است.

ب) مدیریت ریسک در مهاجرت داده: مهاجرت داده‌ها از یک سیستم قدیمی به سیستم جدید می‌تواند پیچیده باشد. مدل V با تاکید بر آزمون‌ها در هر مرحله از فرآیند توسعه، این امکان را فراهم می‌کند که اشکالات و مسائل احتمالی زودتر شناسایی و برطرف شوند.

ج) پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های خاص: توجه به فرآیندها و قراردادهای قانونی خاص و حساسیت‌های شرکت نفتی نشان‌دهنده نیاز به یک رویکرد دقیق و ساختارمند است. مدل V با ارائه یک چارچوب مرحله‌به‌مرحله، این نیازها را برآورده می‌کند.

د) ساختارمند و منظم: این مدل با فرض اینکه نیازمندی‌ها به درستی تعریف شده‌اند، یک رویکرد منظم و ساختارمند ارائه می‌دهد که برای پروژه‌های با اهداف و فرآیندهای واضح مفید است.

با این حال، اگر فرآیند انتقال داده دارای ابهامات زیادی باشد و نیاز به تغییرات مکرر و ارزیابی‌های مداوم ریسک داشته باشد، مدل Spiral گزینه بهتری خواهد بود. مدل Spiral به خصوص برای پروژه‌های پیچیده و نوآورانه که نیازمند انعطاف‌پذیری و ارزیابی مداوم ریسک هستند، مناسب است. این مدل اجازه می‌دهد تا تیم مهندسی در طول پروژه به طور مداوم فرآیندها و نتایج را ارزیابی کرده و در صورت لزوم تغییرات را اعمال کند.

C. مشکلات مدل‌های سنتی (مانند مدل آبشاری) نسبت به مدل‌های چابک

- **انعطاف‌پذیری کم:** مدل‌های سنتی، معمولاً انعطاف‌پذیری کمی دارند. این بدان معناست که تغییرات در الزامات پروژه، می‌تواند منجر به مشکلات زیادی شود. مدل‌های چابک، انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و به تیم توسعه نرم‌افزار اجازه می‌دهند تا تغییرات در الزامات پروژه را به سرعت شناسایی و اعمال کنند.
- **کمبود تعامل با مشتری:** مدل‌های سنتی، معمولاً تعامل کمی با مشتری دارند. این امر می‌تواند منجر به عدم رضایت مشتری شود. مدل‌های چابک، بر تعامل نزدیک با مشتری تأکید دارند. این امر به تیم توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا نیازهای مشتری را به طور دقیق و کامل شناسایی کنند و محصولاتی را تولید کنند که رضایت مشتری را جلب کند.
- **تأخیر در بازخورد:** در مدل‌های سنتی، بازخورد کاربران و ذینفعان معمولاً در مراحل پایانی پروژه جمع‌آوری می‌شود، که می‌تواند منجر به تأخیر در شناسایی و حل مشکلات شود.
- **ریسک بالا و هزینه‌های تغییر:** به دلیل تأخیر در دریافت بازخورد و انعطاف‌پذیری کم، ریسک شکست پروژه‌ها و هزینه‌های ایجاد تغییرات افزایش می‌یابد.
- **تمرکز بر مستندات:** مدل‌های سنتی، معمولاً بر مستندات تأکید دارند. این امر می‌تواند منجر به صرف زمان و هزینه زیاد شود. مدل‌های چابک، بر تحویل ارزش به مشتری در فواصل زمانی کوتاه تأکید دارند. این امر می‌تواند منجر به صرف زمان و هزینه کمتر شود.

سوال ۵

با در نظر گرفتن رویکرد چابک به سوالات زیر پاسخ دهید:

A. در اکثر پروژه‌های نرم‌افزاری پیش‌بینی موارد زیر سخت است:

- اینکه کدام نیازمندی‌های مشتری تغییر خواهند کرد و کدام نیازمندی‌ها ثابت خواهند بود؟
- اینکه به چه میزان طراحی پیش از پیاده‌سازی احتیاج داریم؟
- و چه مقدار زمان از نظر برنامه‌ریزی برای تحلیل و طراحی، پیاده‌سازی و تست محصول نیاز خواهد بود؟

فرآیندهای چابک چگونه در جهت رفع این شرایط‌های نیاز به پیش‌بینی پاسخ می‌دهند؟

B.

اگر برای سیستم‌های بزرگ و با عمر طولانی که توسط یک شرکت نرم‌افزاری برای مشتریان خارجی توسعه داده می‌شوند، از رویکرد چابک استفاده شود، چه مشکلاتی ممکن است بوجود آید؟ ۳ مورد از مشکلات ممکن را ذکر کنید.

C.

فکر می‌کنید مدل‌های چابک خود چه مشکلاتی داشته باشند؟ (حداقل ۴ مورد)

جواب سوال ۵

A.

در فرآیندهای چابک، به جای تلاش برای پیش‌بینی دقیق تمام نیازمندی‌ها و طراحی‌ها از ابتدا، تمرکز بر توسعه تدریجی و تکراری محصول است. این رویکرد اجازه می‌دهد تا تیم‌ها به سرعت و با انعطاف‌پذیری بالا به تغییرات نیازمندی‌ها واکنش نشان دهند. زمان‌بندی برای تحلیل، طراحی، پیاده‌سازی و تست نیز به صورت انعطاف‌پذیر در چرخه‌های کوتاه مدت مدیریت می‌شود.

فرآیندهای چابک، بر تعامل نزدیک با مشتری تأکید دارند. این امر به تیم توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا نیازمندی‌های مشتری را به طور دقیق و کامل شناسایی کنند و تغییرات را به سرعت شناسایی و اعمال کنند.

فرآیندهای چابک، بر آزمایش مداوم تأکید دارند. این امر به تیم توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا کیفیت محصول را در طول توسعه تضمین کنند و از تغییرات غیرمنتظره در نیازمندی‌های مشتری جلوگیری کنند.

فرآیندهای چابک، انعطاف‌پذیر هستند و اجازه می‌دهند تا تغییرات در نیازمندی‌ها، طراحی و برنامه‌ریزی پروژه به سرعت اعمال شوند. این امر به تیم توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا به تغییرات محیطی و نیازهای مشتری پاسخ دهند.

فرض کنید یک شرکت نرم‌افزاری برای یک مشتری جدید، یک سیستم اتوماسیون فروش توسعه می‌دهد. مشتری نیازهای خود را به صورت کلی به تیم توسعه نرم‌افزار ارائه می‌دهد. تیم توسعه نرم‌افزار با تعامل نزدیک با مشتری،

نیازهای مشتری را به صورت دقیق‌تر شناسایی می‌کند. سپس، محصول را در فواصل زمانی کوتاه تحویل می‌دهد تا مشتری بتواند آن را بررسی کند و تغییرات را درخواست کند.

در این مثال، فرآیندهای چابک به تیم توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا به تغییرات در نیازمندی‌های مشتری پاسخ دهند. به عنوان مثال، اگر مشتری نیاز به اضافه کردن یک ویژگی جدید به سیستم را داشته باشد، تیم توسعه نرم‌افزار می‌تواند این ویژگی را در نسخه بعدی محصول اعمال کند.

در نتیجه فرآیندهای چابک، با توجه به چالش‌های پیش‌بینی در پروژه‌های نرم‌افزاری، از رویکردهای مختلفی استفاده می‌کنند. این رویکردها به تیم‌های توسعه نرم‌افزار کمک می‌کند تا تغییرات در نیازمندی‌های مشتری را به سرعت شناسایی و اعمال کنند و محصولی با کیفیت بالا تحویل دهند.

B.

برای سیستم‌های بزرگ و با عمر طولانی، استفاده از رویکرد چابک ممکن است مشکلاتی از قبیل:

- دشواری در مدیریت و هماهنگی بین تیم‌های بزرگ و پراکنده.
- چالش‌های مربوط به برقراری ارتباط مؤثر با مشتریان بین‌المللی.
- مسائل مربوط به مقیاس‌پذیری و ادغام مداوم تغییرات در یک سیستم بزرگ.

C.

مدل‌های چابک خود می‌توانند مشکلاتی داشته باشند از جمله:

- نیاز به ارتباط و همکاری مداوم و نزدیک با مشتری.
 - دشواری در پیش‌بینی هزینه‌ها و زمان‌بندی‌های بلندمدت.
 - خطر انحراف از اهداف اصلی در صورت عدم وجود برنامه‌ریزی دقیق.
 - ممکن است کیفیت کد در اثر تغییرات مکرر کاهش یابد.
-